

بررسی «فرهیختگان» در بازار آشفته کاغذ نشان می‌دهد پای دلالان در میان است

احتکارکنید گران تر بفروشید



عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

کافی است دو کلمه گرانی کاغذ را جست‌وجو کنید تا روند و مسیر تاریخی این اتفاق را ببینید، این گرانی برای امسال و سال گذشته نیست، بلکه در طول دهه ۹۰ همواره با این موضوع همراه بوده‌ایم و کاغذ در هر سال چند صد هزار تومانی گران شده است. اما اتفاقی که در دو هفته اخیر افتاد و کاغذ به یک‌باره دوبار برابر گران شد، اهالی نشر و دیگرانی را که با موضوع کاغذ درگیر هستند، نگران کرد. چون این گرانی در شرایط گروانی‌ای حال حاضر که کتابفروشی‌ها تعطیل است می‌تواند منجر به قیمت عجیب و غریب کتاب شود و پایان چنین روندی چیزی نیست جز اینکه ناشران کتاب کمتری منتشر کنند. در این گزارش نگاهی به روند گرانی کاغذ در این سال‌ها داشتیم و در کنارش علت گرانی اخیر را با توجه به اطلاعاتی که کسب کردیم، بررسی کردیم و نگاهی آماری هم داشتیم به اینکه قیمت کتاب با توجه به این گرانی‌ها چقدر خواهد شد.

گرانی کاغذ از کجا شروع شد؟

رسیدن کاغذ به بندی ۹۰ هزار و ورشکسته شدن ناشران

بهمین سال ۱۳۹۰، تیترا اکثر روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها این بود که «نفس کتاب و نشریات به شماره افتاده است» و از قیمت افسارگسیخته کاغذ می‌گفتند که از سال ۸۹ شروع شده بود و هیچ کنترلی روی آن نبود، در سال ۸۹ قیمت کاغذ تحریر که برای کتاب استفاده می‌شد، در بازار بندی ۲۵ تا ۳۵ هزار تومان شد. اما در سال ۹۰ بخش اصلی تأمین کاغذ از طریق کره جنوبی بود. که در همان سال به دلیل تحریم‌های اعمال شده، قیمت کاغذ تا بندی ۴۰ هزار تومان هم افزایش داشت. در نهایت در اسفند سال ۹۱ به بندی ۹۰ هزار تومان رسید، البته در آبان ماه سال ۹۱ حتی به بندی ۱۰۲ هزار تومان هم رسید و این اتفاق‌ها در همان زمان باعث شد بسیاری از ناشران از این روند گرانی ورشکسته شوند و دیگر نتوانند کارشان را در حوزه نشر ادامه بدهند.

ثباتی موقت و بعد دوباره گرانی

سال‌های ۹۲ تا ۹۴ کمی اوضاع کاغذ ثبات پیدا کرد و آن هم به دلیل فعالیت کارخانه‌های کاغذ داخلی بود و حمایتی که رهبر انقلاب از این حوزه داشتند اما دوباره از سال ۹۵، زمزمه‌های گرانی کاغذ شروع شد و از سال ۹۶ تا الان همان کاغذی که نهایتاً بندی ۱۴۰ هزار تومان بود در اردیبهشت ۱۴۰۰ به بندی ۷۵۰ هزار تومان هم رسید و هیچ کسی برای این روند عجیب گرانی کاغذ پاسخگو نیست و حتی یک نفر از دولت در مورد این موضوع اظهار نظر نمی‌کند. فعلاً که همه تقصیر‌ها را به دوش تحریم می‌اندازند در حالی که اگر نگاه دقیق و جامعی به روند تولید کاغذ وجود داشت، الان دچار موج گرانی اخیر نبودیم و ناشران برای چاپ کتاب گرفتار استرس نبودند.

تولیدمان در کاغذ تحریر صفر است

اردیبهشت سال ۱۳۹۱، رهبر انقلاب در بازدیدی که از نمایشگاه کتاب تهران داشتند به مساله گرانی کاغذ اشاره کردند و به مسئولان وقت وزارت ارشاد تاکید کردند باید برای تولید کاغذ داخلی، کارخانه‌های کاغذ را رونق داد تا فعالیت‌شان را شروع کنند. اما این حرف‌ها شاید فقط برای چند سال عمل شد و دوباره در باتلاقی بی‌کاغذی وارد کردن کاغذ ماندیم. در سال ۱۴۰۰ هم یک‌باره اعلام شد که ارز ۴۲۰۰ دیگر به کاغذ اختصاص پیدا نمی‌کند و همین کاغذ را گران‌تر کرد. ابوالفضل روغنی گلپایگانی در حال حاضر رئیس سندیکای کاغذ و مقواست و سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند و حتی وقتی مدیریت کارخانه چوب و کاغذ مازندران را به عهده داشت برای تولید کاغذ داخلی هم بسیار تلاش کرد. او در مورد بحران کاغذ و گرانی‌های آن در دهه ۹۰ حرف‌های زیادی دارد و می‌گوید: «از حدود سال ۹۱-۹۰ بود که رهبر انقلاب در بازدید از نمایشگاه کتاب تهران بر سروسامان دادن به مساله تولید داخلی کاغذ تاکید فرمودند، بعد از آن کمیسیون فرهنگی مجلس از دولت خواست این مهم را جدی گرفته و سروسامان دهد، در مجلس کماکان جلساتی برگزار می‌شد و رئیس کمیسیون فرهنگی آن دوره یعنی سالک تلاش‌های بسیاری کرد، اما متأسفانه این موضوع در سال ۹۵ به بعد رها و به نوعی از دستور کار خارج شد. از طرفی هم چون شرایط عرضه متفاوت بود کشتش به سمت واردات بیشتر شد تا زمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کاغذ اختصاص پیدا کرد و رسماً شرکت‌های داخلی زمین‌گیر شدند. چرا که به مواد اولیه تولید، ارز ۴۲۰۰ تومانی تعلق نمی‌گرفت. در مقابل برای واردات کاغذ خارجی ارز دولتی پرداخت می‌شد؛ ارزی که نه سر سفره مصرف‌کننده رفت نه سر سفره ناشران و مطبوعات. از سال ۹۷ به بعد انگیزه تولید هم کم‌کم از میان رفت و حالا به مرحله‌ای رسیدیم که تولید کاغذ تحریر در کشور به صفر رسیده است.»

مسئولان و کاری که برای کاغذ انجام ندادند!

مقدار کاغذی که نیاز داریم

او در مورد میزان مصرف کاغذ در کشورمان می‌گوید: «ما بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار تن کاغذ نیاز داریم در حالی که در بهترین شرایط ۱۵۰ هزار تن بیشتر نمی‌توانیم تولید کنیم، مابقی را باید وارد کنیم. مانیاز به کاغذ تحریر داریم که می‌توانیم با مدیریت درست و مناسب و ایجاد شرایط برابر نه اینکه فرصت را از تولیدکننده گرفته و به واردکننده بدهیم، هم بازار، هم تولید و هم قیمت‌ها را متعادل سازی کنیم. باید مدیریت کنیم تا از این شرایط بد و سردرگمی فاصله بگیریم. در حوزه کاغذ بسته‌بندی نیاز ما ۸۵۰ تن در سال است، اما بالغ بر یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن تولید داریم، به نظر می‌رسد دولت باید در سال‌های آتی توجهی به ایجاد انگیزه و دادن فرصت‌های مناسب برای کسانی که در بحث کاغذ تحریر می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، داشته باشد.»

فرصت برای تولید فراهم است

روغنی معتقد است برای هیچ مسئولی در این کشور این بازار آشفته کاغذ مهم نیست و می‌گوید: «الان اگر برای این مشکل گرانی، ناشر یا کسانی که به کاغذ روزنامه احتیاج دارند، چیزی بگویند در جواب‌شان گفته می‌شود که فعلاً بحث دارو در اولویت است؛ اینکه واردات انواع کاغذ از فهرست ارز ترجیحی خارج شده است، با شرط اینکه سایر شرایط را برای تولید داخلی فراهم کنند، فرصت خوبی است. برای نمونه باید واردات را مدیریت کنند، ارز به واردکننده به صورت گسترده ارائه نشود، هرچند در این صورت قیمت‌ها دچار افزایش خواهد شد، اما در مقابل شرایط نرمال برای تولید و مصرف‌کننده حاصل می‌شود.»

احتکار، واقعیت بحران کاغذ در ۱۴۰۰

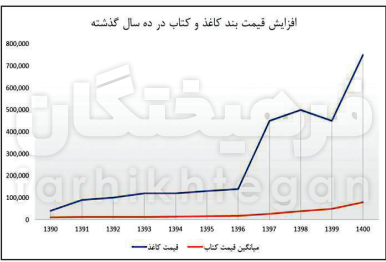
خیلی‌ها می‌گویند، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی باعث شده قیمت کاغذ این قدر بالا برود. کاغذ در سال گذشته تقریباً بندی ۴۸۰ هزار تومان بود که به یک‌باره به بندی ۷۵۰ هزار تومان رسید. این حجم یک‌باره گرانی را راحت می‌شود به حذف ارز گره زد اما نکته اینجااست که فقط موضوع ارز نیست و طبق اطلاع «فرهیختگان» چیزهای دیگری باعث این اتفاق شده است. بعد از دستگیری سلطان کاغذ در اواخر سال ۹۸، خیلی‌ها از اهالی نشر معتقد بودند در بحث کاغذ فقط یک نفر مسئول نیست و خیلی‌ها هستند که به صورت تیمی فعالیت می‌کنند و اوضاع کاغذ را به اینچاسانده‌اند. اوایل دهه ۹۰ که بحث کارخانه‌های کاغذ داخلی تیترا رسانه‌ها شده بود، یک گروه مافیایی در حوزه نشر بودند که سنگ اندازی می‌کردند. نفع این تیم مخفی در واردات کاغذ بود و سعی داشتند کاغذ داخلی در اختیار ناشران یا روزنامه‌ها قرار نگیرد و حتی برای قراردادهایی که این کارخانه‌ها با آموزش و پرورش می‌بستند، نقشه می‌کشیدند و سعی می‌کردند تا این قراردادها را به هم برزنند و همه را به سمت کاغذ وارداتی ببرند و در نهایت در سال ۹۵ موفق به این کار شدند. تقریباً از همان زمان دیگر کارخانه‌های کاغذ به مقدار بسیار کم در حال تولید کاغذ هستند و این حجم کم تولید کاغذ عملاً به هیچ کاری نمی‌آید. اما مگر در یک ماه اخیر چه اتفاقاتی رقم خورده که اینچنین بازار کاغذ گرفتار آشفتگی شده است. براساس اطلاعات به دست آمده، از چند ماه قبل و پیش از اعلام حذف حمایت‌های دولتی از واردات کاغذ، مافیایی کاغذ بار دیگر دست به کار شده است و این بار با احتکار کاغذ،

قیمت هر بند کاغذ را تا ۵۵۰ هزار تومان بالا برده‌اند. برای اثبات خیزش مافیایی کاغذ در بازار نشر کافی است سری به خیابان ظهیرالاسلام بزنید. مافیایی کاغذ، هر آنچه بوده را از بازار کاغذ جمع کردند تا قیمت کاغذ را به آن چیزی برسانند که مدنظرشان است. فعلاً قیمتی که مافیایی کاغذ انتخاب کرده، ۷۵۰ هزار تومان است اما بعید نیست این روند در روزها و ماه‌های آتی ادامه داشته باشد. به گفته برخی ناشران، اگر این روند ادامه داشته باشد، کاغذ‌های احتکار شده تا بندی ۹۰۰ هزار تومان هم می‌رسد و ناشری که کتاب‌هایش در چاپخانه معطل کاغذ است، مجبور است با هر قیمتی کاغذ را خریداری کند. شکل‌گیری چنین وضعیتی برای بازار امروز نشر خیلی عجیب است و ناشران اصلاً این مقدار از افزایش قیمت را پیش‌بینی نمی‌کردند چون در سال‌های ۹۸ و ۹۹ واردات کاغذ از کشورهای کره جنوبی، اندونزی و هندوستان افزایش یافت و پیش‌بینی می‌شد تا پایان سال ۱۴۰۰ و حتی بیشتر از آن کاغذ در بازار وجود داشته باشد. اما انگار مناسبات بازار نشر تغییر کرده است و سوداگری مافیایی کاغذ تمامی ندارد. کاغذ‌ها را انبار می‌کنند تا سود بیشتری را به دست بیاورند. ۱۱ سال است نبض بازار کاغذ در دستان همین احتکارکنندگان اخیر و در سایه عدم نظارت‌های دولتی ادامه حیات می‌دهند. فردی هم که به‌عنوان سلطان کاغذ دستگیر شد، مهره کوچکی از بازار آشفته کاغذ است و تغییر لحظه‌ای قیمت کاغذ نشان از این دارد که باید نظارت در این حوزه جدی‌تر گرفته شود.

کاغذ گران و کتاب گران‌تر

سال	قیمت هر بند کاغذ	میانگین قیمت کتاب
۱۳۹۰	۴۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰
۱۳۹۱	۹۰,۰۰۰	۱۱,۵۰۰
۱۳۹۲	۱۰۰,۰۰۰	۱۲,۵۴۷
۱۳۹۳	۱۲۰,۰۰۰	۱۳,۱۴۱
۱۳۹۴	۱۲۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰
۱۳۹۵	۱۳۰,۰۰۰	۱۵,۸۴۴
۱۳۹۶	۱۴۰,۰۰۰	۱۷,۰۷۶
۱۳۹۷	۴۵۰,۰۰۰	۲۵,۷۲۶
۱۳۹۸	۵۰۰,۰۰۰	۳۹,۶۳۵
۱۳۹۹	۴۵۰,۰۰۰	۴۹,۵۸۴
۱۴۰۰	۷۵۰,۰۰۰	۸۰,۰۴۷

مطمئناً کاغذ تحریری که برای صنعت نشر استفاده می‌شود، با توجه به این همه گرانی و چند برابر شدن به نسبت سال قبل می‌تواند تأثیر مستقیمی بر قیمت کتاب داشته باشد. جدولی که در این بخش آورده‌ایم، نشان از این دارد که چقدر قیمت کاغذ در دهه ۹۰ توانسته است، قیمت کتاب را بالا ببرد.



۱۴۰۰ تن کاغذ در گمرک مانده است!

حسین زارع یکی از کاغذفروشان خیابان ظهیرالاسلام است که حدود بیست و یک سال است به این کار مشغول است و به قول خودش دیگر با همه مسائل و جزئیات بازار کاغذ آشناست. به سراغ او رفته و علت افزایش قیمت کاغذ را پرسیدم و او هم در ابتدای صحبت‌هایش آن را به افزایش قیمت جهانی کاغذ مرتبط دانست و گفت: «مواد اولیه کاغذ در همه دنیا گران شد و برای همین قیمت کاغذ بالا رفت. یک تن کاغذ ایندربرد ۹۰۰ دلار بود. اما الان به تنی ۱۳۸۰ دلار رسیده است. همه مدل کاغذی که در بازار وجود دارد، قیمت‌ش بسیار بالا رفته است. کرنا بنا شد کمی تولید کاغذ در دنیا کاهش پیدا کند. مثلاً چین که خودش تولیدکننده کاغذ بود. الان دیگر فقط برای تولید داخلی خودش این کار را انجام می‌دهد و به سمت واردات کاغذ رفته است، قیمت کاغذ تولیدی‌اش را بالا برده تا کسی کاغذ‌شان را نخرد.» و همچنین به حذف ارز دولتی در واردات کاغذ، اشاره کرد و گفت: «این حذف ارز هم بر قیمت کاغذ تأثیر داشت اما آنقدر نبود که بتواند قیمت را این گونه بالا ببرد. مساله همان قیمت جهانی است. البته نکات دیگری هم وجود دارد.» زارع مساله احتکار را فقط متوجه کاغذفروشان نمی‌داند و معتقد است در شرایط فعلی برای کاغذفروش احتکار کردن کاغذ هیچ منفعتی ندارد چون قیمت بسیار بالا رفته است، او در این باره گفت: «باید بحث احتکار را در جای دیگری دنبال کرد، مثلاً همین وزارت ارشاد به راحتی می‌توانست کاغذهایی را که با ارز ۴۲۰۰ وارد شده به بازار تزریق کند یا اینکه کاغذهایی که در اختیار شرکت تعاونی ناشران (آشنا) قرار گرفته را وارد بازار کند تا با تعدادی که در بازار برقرار می‌شود، قیمت‌ها کنترل شود تا یک‌باره شاهد افزایش افسارگسیخته قیمت کاغذ نباشیم. اینکه بگوییم کاغذفروشان صفر تا صد این احتکار را انجام داده‌اند درست نیست. ناشرانی که این حرف‌ها را می‌زنند، خودشان بیایند در مورد کاغذ‌هایی بگویند که با ارز دولتی دریافت کردند و با قیمت آزاد در بازار فروختند. همین الان انبار یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، کاغذ کاهی را پخش می‌کند با قیمت ۶ هزار تومان، اما برگردید تعداد ناشر رفته‌اند و این کاغذ‌ها را خریده‌اند و در بازار آزاد به قیمت ۲۰ هزار تومان می‌فروشند. فقط کاغذفروش مقصر این اوضاع آشفته نیست. همین الان اسم نمی‌آورم اما هستند کسانی که کاغذ‌ها را نگه داشته‌اند و فطره چکانی به بازار تزریق می‌کنند. ۱۲۰۰ تن کاغذ کاهی همین الان در گمرک مانده است. کاغذی که با ارز ۴۲۰۰ وارد شده اما به کسی که وارد کرده اجازه ترخیص نمی‌دهد. درحالی که همین ۱۲۰۰ تن می‌تواند برای یک سال کافی باشد.»

چرا با وضعیت فعلی هر اقدامی باعث بی‌ثبات‌تر شدن بازار کاغذ می‌شود

یک فرآیند پر از سوراخ

از پشت میز مدیریتی‌اش داشت به ما اطمینان می‌داد که هر نوع کاغذ از هر رقمی بخواهیم، امکان تأمین دارد و غم‌ان نباشد و این صحبت‌ها، جوانک گزینه‌های متعددی هم روی میز داشت؛ از کاغذ‌های تحریر هندی و اندونزی گرفته تا همین کاغذهایی که ارشاد دارد به نرخ دولتی به ناشران و گذار می‌کند. علت را جویا شدم که چگونه کاغذ دولتی هم جایی در لیست فروش او دارد، جرحه‌ای از جای کمربار یک تازه‌دمش نوشید و گفت خیلی از ناشران به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی‌ای که دارند، کاغذ دریافتی از دولت را به نرخ بالاتری در بازار آزاد می‌فروشند و همان هم دوباره سر از همین بازار درمی‌آورد. استاد البته این را هم متذکر شد که او فقط به عنوان واسطه عمل می‌کند و دست ما را می‌گذارد توی دست ناشری که می‌خواهد کاغذ دولتی‌اش را بفروشد و البته تسهیلاتی هم در اختیار مافقر می‌دهد که نقل و انتقال کاغذ از انبار و چاپخانه و انتقال مالکیت به گونه‌ای انجام شود که ردی از این معامله بر جای نماند. غرض از گفتن این سطور چه بود؟ «هیچ جز یادآوری این نکته که فرآیندی که تدبیر و آمیدی‌ها از اقتصادی‌هاشان تا فرهنگی‌شان برای اداره و ثبات بازار کاغذ در نظر گرفته‌اند از صفر قضیه گرفته که تخصیص ارز دولتی به کاغذ باشد در وزارت صمت تا این سوی ماجرا و واردات و دیپور و انبار و حتی توزیع بین ناشران در وزارت ارشاد یک فرآیند پر از سوراخ سنبه است.

سوراخ‌های ریز و درشتی که تا زمانی که فکری برای اصلاح و درمان آنها نشود، همه وقت و هزینه و انرژی‌ای که برای این موضوع گذاشته می‌شود نته‌نبا به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید بلکه همین وضع موجود را تشدید خواهد کرد. کانه‌آبی که از بالادست سرازیر می‌شود توی کانالی با هزارویک سوراخ! چه در نه کانال خواهد ماند؟ هیچ!

اجازه بدهید کاری به مدیریت قدرعرب اقتصادی نداشته باشیم که کفی المثل چرا کاغذ بندی ۳۰ هزار تومان در اوایل دهه ۹۰ را معجزه‌وارانه تبدیل می‌کند

محمد صادق علیزاده

فصل حوزه کتاب

محمدصادق علیزاده که سال‌هاست در حوزه نشر قلم می‌زند، این بار در قالب یک ناشر و برای خرید کاغذ، روایتی را برپایان شرح داده است که خواندنش خالی از لطف نیست و نشان می‌دهد در این بازار پرالتهاب نشر چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است: «سرش را نزدیک می‌کند و نگاهی به چپ و راستش، و آرام می‌گوید: «در همین بازار و آدم‌هایی که خودمان می‌شناسیم، کسانی بودند که توی همین قضایا تریلبار در شدند! شب خوابیدن، صبح پا شدند سرمایه‌شان ۱۸ برابر شده بود!» اینها را دو سال قبل از دهان یک بازار گان و تاجر کاغذ شنیده بودم. زمانی که در یکی از همین بومیه‌های سراسری این مملکت خبرنگار فرهنگی بودم و در نهایت برای فهمیدن اینکه در بازار کاغذ چه خبر است، از پشت میز در تحریر به بلند شدم و راهی راسته کاغذفروش‌های پایتخت شدم؛ در خیابان ظهیرالاسلام، ضلع شمال غربی میدان بهارستان. قبلاً البته یکی از دوستان گرامر داده بود که فلاتی حواست باشد اگر بفهمند خبرنگار هستی، زبان به کلام می‌گیرند و چیزی نمی‌گویند و تیرت به سنگ خورده. لاجرم قبل ترش با وساطت یکی از دوستان ناشر به یکی از تاجران با انصاف بازار وصل شدم که حاضر شده بود به شرط اعلام نشدن نامش با ما بنشیند و جلسه کند و حرف بزند. حرف‌های بالا را هم همین تاجر منصف زد که البته اگر دوستان نامنصفش متوجه می‌شدند، نان او را راجر می‌کردند. بعد از نشستن با تاجر منصف، خود را به عنوان یک ناشر نوپا جاذم که در بهر در دنبال کاغذ است برای چاپ کتاب‌هایی که روی دستش مانده و باید هر چه زودتر روانه بازار کند و فرهنگ را کن فیگون. از همین خدعه بود که کارمان کشید به یکی از همین تاجران که یک‌شنبه میلیارد شده بودند. جوانکی هم سن و سال خودمان که در همان کوچه پس کوچه‌های ظهیرالاسلام دفتر و دستکی به هم زده بود در طبقه سوم یکی از ساختمان‌های نوساز و حالا هم